

فصل اول

## زیبایه آفرینش

درس اول: پیش از اینها

حکایت: به خدا چه بگویم؟

درس دوم: خوب جهان را ببین! صورتگر ماهر

روان خوانی: جوانه و سنگ



(درگذشت ۱۱۹۸ هـ.ق)

# هاتف اصفهانی

سید احمد هاتف اصفهانی از شاعران دوره افشاریه و زندیه است و در سرودن غزل از سعدی و حافظ پیروی می‌کرد. «ترجیع‌بند» عرفانی وی نیز مشهور است.



آنچه نادیدنی است، آن بینی

چشم دل باز کن که جان بینی

قلبت را مانند چشمت باز کن (بصیرت داشته باش) تا حقیقت روح را درک کنی و آنچه را که با چشم سر قابل دیدن نیست، آن را با چشم دل بینی.

بیت بالا با این بیت مولوی ارتباط معنایی دارد: چشم دل بگشا و در جان‌ها نگر / چون بیامد، چون شد و چون می‌رود

۱ چشم دل: اضافه تشبیهی (دل: مشبه، چشم: مشبه‌به، باز شدن: وجه شبه) / چشم دل: تشخیص / چشم دل باز کردن: کنایه از بصیرت یافتن و آگاه شدن / چشم و دل و جان: تناسب

۵ چشم دل: گروه مفعولی / باز کن: فعل امر / که: حرف ربط / جان: مفعول / آنچه نادیدنی است، آن: مفعول

## دانش‌های زبانی و ادبی (درس ۱)

### ترکیب

در ساختار زبان فارسی دو نوع ترکیب پرکاربرد وجود دارد: الف) ترکیب اضافی ب) ترکیب وصفی

الف) ترکیب اضافی: مضاف + مضاف‌الیه

◀ مثال: موج از دامان دریا برنبرد دست خویش

مضاف مضاف‌الیه مضاف مضاف‌الیه

◀ مثال: جان عاشق را که از جانانه می‌سازد جدا؟

مضاف مضاف‌الیه

ب) ترکیب وصفی: موصوف + صفت

◀ مثال: نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست تر دارند

◀ مثال: جوانان سعادتمند، پند پیر دانا را

موصوف صفت موصوف صفت

روش تشخیص ترکیب‌های اضافی و وصفی از یکدیگر: برای تشخیص ترکیب‌های اضافی و وصفی از یکدیگر، به کلمه اول ترکیب، «ی» اضافه می‌کنیم، اگر ترکیب، معنی بدهد «وصفی» است و اگر معنی ندهد «اضافی» است.

◀ مثال ۱: کتاب آفرینش روش کتابی آفرینش معنی نمی‌دهد ← اضافی

◀ مثال ۲: انسان‌های خوب روش انسان‌هایی خوب معنی می‌دهد ← وصفی

### نکته

اگر در ترکیبی جای موصوف و صفت یا مضاف و مضاف‌الیه عوض شود، به این ترکیب «ترکیب مقلوب» می‌گویند.

مثال ۱: «پیرمرد» ترکیب وصفی مقلوب است که در آن مرد، موصوف و پیر، صفت است.

مثال ۲: «گلخانه» ترکیب اضافی مقلوب است که در آن خانه، مضاف و گل، مضاف‌الیه است. به همین ترتیب،

«گلاب» نیز ترکیب اضافی مقلوب است و در آن آب، مضاف و گل، مضاف‌الیه است.

### ساختار

واژه‌ها و جمله‌های زبان، مانند طرف‌هایی هستند که فکر ما را در خود جای می‌دهند. باید با درنگ و تأمل، هنگام خواندن هر اثر و شنیدن گفتار هر شخص، نحوه گزینش واژه‌ها و زمینه فکری آن را جست‌وجو کنیم. پس برای درک بهتر هر اثر، باید به ساختار و محتوای آن توجه کرد. هر نوشته، علاوه بر معنی و محتوا، دارای شکلی بیرونی است که به آن «ساختار» می‌گویند.

بررسی ساختار: برای بررسی ساختار (شکل بیرونی) هر اثر می‌توانیم از پرسش‌های زیر استفاده کنیم:

۱- متن اثر به نثر است یا به نظم؟ ۲- شیوه بیان نوشته، زبانی است یا ادبی؟ ۳- واژه‌های متن، ساده و قابل فهم‌اند یا دشوار و دیرپاب؟

◀ مثال: شعر ستایش: ۱- نظم است. ۲- شیوه بیان آن ادبی است چون آرایه‌های ادبی بسیاری دارد. ۳- بیشتر واژه‌های متن، دشوار و دیرپاب هستند چون واژه‌های قدیمی بسیاری مانند متفق، الهیت، فرومانده، کنه، ماهیت و ... در آن یافت می‌شود که در زبان امروزی کاربرد کمتری دارند.

### پرسش‌های چهارگزینه‌ای دانش‌های زبانی و ادبی

۱ در کدام گزینه ترکیب وصفی به کار رفته است؟

- ۱) مثل قصر پادشاه قصه‌ها / خشتی از الماس و خشتی از طلا
- ۲) رعد و برق شب، طنین خنده‌اش / سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش
- ۳) مهربان و ساده و بی‌کینه است / مثل نوری در دل آینه است
- ۴) دوستی از من به من نزدیک‌تر / از رگ گردن به من نزدیک‌تر

## ۲ در کدام گزینه ترکیب اضافی بیشتری وجود دارد؟

- ۱) در دل او دوستی جایی نداشت / مهربانی هیچ معنایی نداشت
- ۲) زود می‌گفتند: این، کار خداست / پرس‌وجو از کار او، کاری خطاست
- ۳) گفت: آری خانه‌ی او بی‌ریاست / فرش‌هایش از گلیم و بوریاست
- ۴) عادت او نیست خشم و دشمنی / نام او نور و نشانش روشنی

## ۳ در هیچ گزینه‌ای ترکیب وصفی دیده نمی‌شود، به جز گزینه ...

- ۱) مکن خیره بر زیردستان ستم / که دستی است بالای دست تو هم
- ۲) کجا دولت وصلش آرم به دست / که جز باد چیزی ندارم به دست
- ۳) ای شکم خیره به نانی بساز / تا نکنی پشت به خدمت دوتا
- ۴) سود و زیان و مایه چو خواهد شدن ز دست / از بهر این معامله غمگین مباش و شاد

## ۴ در هیچ گزینه‌ای ترکیب اضافی دیده نمی‌شود، به جز گزینه ...

- ۱) قناعت، توانگر کند مرد را / خبر کن حریص جهانگرد را
- ۲) شاهی که بر رعیت خود می‌کند ستم / مستی بود که می‌کند از ران خود، کباب
- ۳) خداوند بخشنده دستگیر / کریم خطابخش پوزش‌پذیر
- ۴) سود و زیان و مایه چو خواهد شدن ز دست / از بهر این معامله غمگین مباش و شاد

## ۵ در گروه واژگان زیر، به ترتیب چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی وجود دارد؟

«محتوای آثار، ویژگی‌های برجسته، ساختمان زبان، شناخت خداوند، انسان آگاه، عاج سفید، فرش طبیعت»

- ۱) چهار، سه      ۲) پنج، دو      ۳) دو، پنج      ۴) سه، چهار

## ۶ نام دیگر ساختار چیست؟

- ۱) شکل بیرونی      ۲) محتوا      ۳) معنی و مفهوم      ۴) اصطلاح

## ۷ کدام گزینه نمی‌تواند پرسشی مناسب برای بررسی ساختار اثر باشد؟

- ۱) متن اثر به نظم است یا به نثر؟  
 ۲) تعداد فعل‌ها و جمله‌های آن چند تا است؟  
 ۳) شیوه بیان نوشته، زبانی است یا ادبی؟  
 ۴) واژه‌های متن، ساده و قابل فهم‌اند یا دشوار و دیرپاب؟

## ۸ کدام گزینه بیشترین ترکیب اضافی را دارد؟

- ۱) تبت من در نماز و در دعا / ترس بود و وحشت از خشم خدا
- ۲) گفت آری خانه‌ی او بی‌ریاست / فرش‌هایش از گلیم و بوریاست
- ۳) رعد و برق شب، طنین خنده‌اش / سیل و طوفان نعره توفنده‌اش
- ۴) در دل او دوستی جایی نداشت / مهربانی هیچ معنایی نداشت

## ۹ کدام ترکیب (موصوف و صفت) از نظر ساخت با دیگر ترکیب‌ها متفاوت است؟

- ۱) بلند آسمان      ۲) مرد منجی      ۳) بدذات      ۴) نیک‌سرشت

## ۱۰ تعداد و نوع ترکیب‌ها در کدام گزینه نادرست است؟

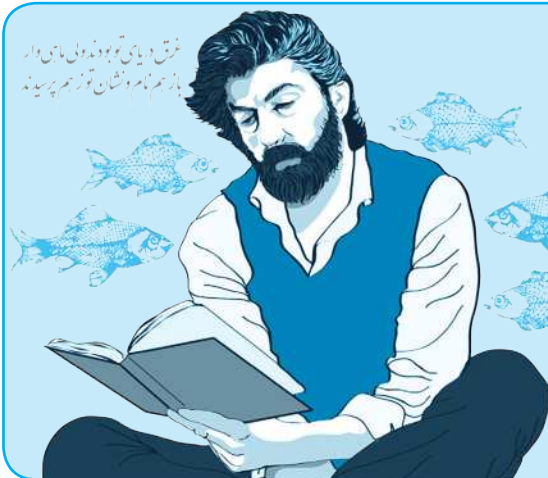
- ۱) به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من / چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا (صفر ترکیب وصفی / دو ترکیب اضافی)
- ۲) به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب / که علم کند به عالم شهدای کربلا را (یک ترکیب وصفی / یک ترکیب اضافی)
- ۳) برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن / که ننگین پادشاهی دهد از کرم گدا را (دو ترکیب وصفی / یک ترکیب اضافی)
- ۴) دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین / به علی شناختم من به خدا قسم خدا را (صفر ترکیب وصفی / یک ترکیب اضافی)

# درس اول

## پیش از این‌ها

(۱۳۸۶-۱۳۳۸ ه.ش)

## مغز پرور



شرق دریای آمودریا و جنوب ماس و  
باز هم نام و نشان تو از هر پر سینه

استاد دانشگاه و شاعر معاصر است. او از شاعران موفق پس از انقلاب به‌شمار می‌آید. از آثار او می‌توان «در کوچه آفتاب»، «تنفس صبح»، «مثل چشمه مثل رود»، «به قول پرستو» و «آینه‌های ناگهان» را نام برد.

قالب شعر: مثنوی

معنی و مفهوم

خانه‌ای دارد میان ابرها

پیش از این‌ها فکر می‌کردم خدا

پیش از این‌ها فکر می‌کردم که خداوند میان ابرها زندگی می‌کند.

⑤ خدا: نهاد / خانه‌ای: مفعول

خشتی از الماس و خشتی از طلا

مثل قصر پادشاه قصه‌ها

(فکر می‌کردم که خانه خدا) مانند کاخ پادشاه قصه‌هاست که یک آجر آن از الماس و آجر دیگر آن از طلاست.

① مثل قصر پادشاه قصه‌ها: تشبیه / خشتی و خشتی: تکرار / الماس و طلا: مراعات نظیر یا تناسب / قصر و خشت: تناسب

② مثل: حرف اضافه / قصر: متمم / پادشاه: مضاف‌الیه / قصه‌ها: مضاف‌الیه

نکته

ادات‌های تشبیه، غالباً حرف اضافه‌اند.

بر سر تختی نشسته با غرور

پایه‌های برجش از عاج و بلور

پایه‌های برج آن (کاخ)، از عاج فیل و بلور است (یعنی سفید و باارزش است) و (خداوند) با غرور روی تخت پادشاهی نشسته است.

① از عاج و بلور بودن: کنایه از سفید و باارزش بودن

② بیت، دو جمله است. هر مصراع یک جمله است. / پایه‌ها: نهاد / از عاج و بلور: مسند (فعل اسنادی «است» حذف شده است). / سر تختی:

متمم / با غرور: قید

## ماه، برق کوچکی از تاج او / هر ستاره، پولکی از تاج او

ماه مانند نور کوچکی است که از روی تاج تابیده می‌شود و هر ستاره هم، مانند پولکی است که بر تاج او قرار دارد.

- ۱) مصراع اول تشبیه دارد و در آن ماه: مشبّه و برق: مشبّه‌به است. / مصراع دوم تشبیه دارد و در آن هر ستاره: مشبّه و پولکی: مشبّه‌به است. / ماه و ستاره: تناسب

## رعد و برق شب، طنین خنده‌اش / سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش

رعد و برق ترسناک شب، صدای خنده او (خدا) است. سیل و طوفان هم فریاد خروشان اوست.

- ۵) رعد و برق: نهاد / طنین: مسند / سیل و طوفان: نهاد / نعره: مسند / طنین خنده: ترکیب اضافی / نعره توفنده: ترکیب وصفی

## هیچ کس از جای او آگاه نیست / هیچ کس را در حضورش راه نیست

هیچ کس از جایگاه خداوند باخبر نیست و هیچ کس اجازه حضور یافتن در پیشگاه خداوند را ندارد.

- ۱) هیچ کس و هیچ کس: تکرار / راه نداشتن: کنایه از اجازه نداشتن
- ۵) «هیچ کس» مصراع اول: نهاد / آگاه: مسند / «نیست» مصراع اول: فعل اسنادی / «هیچ کس» مصراع دوم: متمم («را» نشانه مفعول نیست بلکه حرف اضافه است و در معنی «برای» به کار رفته است. / «نیست» مصراع دوم: فعل غیراسنادی به معنی «وجود ندارد»

## آن خدا بی‌رحم بود و خشمگین / خانه‌اش در آسمان، دور از زمین

آن خدا (در ذهن من) سنگدل و خشمگین بود و خانه‌اش در آسمان و دور از زمین بود.

- ۱) آسمان و زمین: تضاد و تناسب
- ۵) کل بیت، سه جمله دارد: آن خدا بی‌رحم بود و خشمگین (بود) / خانه‌اش در آسمان، دور از زمین (بود)
- جمله اول حرف ربط جمله دوم جمله سوم

آن خدا: نهاد / بی‌رحم و خشمگین: مسند / آسمان و زمین: متمم / دور: مسند

### نکته

«و» حرف ربط، بین دو جمله قرار می‌گیرد؛ اما «و» عطف، بین دو کلمه قرار می‌گیرد. هرگاه «و» حرف ربط بعد از فعل قرار بگیرد حتماً بعد از آن یک جمله وجود دارد.

حرف ربط یا پیوند: واژه‌های است که دو واژه یا دو عبارت را به یکدیگر پیوند می‌دهد. حروف ربط عبارتند از: اگر، تا، که، بلکه، چنان‌که، بنابراین و ... مثال ۱: اگر تلاش کنی، موفق می‌شوی. / مثال ۲: مکن کاری که بر پا سنگت آید.

## بود، اما در میان ما نبود / مهربان و ساده و زیبا نبود

(آن خدا) وجود داشت؛ اما در بین ما حضور نداشت. (آن خدا) مهربان و ساده و زیبا نبود.

- ۱) بود و نبود: تضاد
- ۵) فعل‌های «بود و نبود» در مصراع اول فعل‌های غیراسنادی‌اند؛ چون در معنی «وجود داشتن و نداشتن» به کار رفته‌اند. / فعل «نبود» در مصراع دوم: فعل اسنادی / مهربان و ساده و زیبا: مسند

## در دل او دوستی جایی نداشت / مهربانی هیچ معنایی نداشت

در قلب او (خدا) دوستی، جایگاه و ارزشی نداشت و مهربانی کردن هم بی‌اهمیت و بی‌ارزش بود.

- ۱) دوستی و مهربانی: تناسب
- ۵) دوستی: نهاد / جایی: مفعول / مهربانی: نهاد / هیچ معنایی: مفعول

## هر چه می‌پرسیدم از خود از خدا / از زمین از آسمان از ابرها

- ۱) زمین و آسمان: تضاد / زمین، آسمان و ابرها: تناسب / این بیت موقوف‌المعانی است (زیرا معنی بیت به بیت دیگر موقوف یا وابسته است).
- ۵) هر پنج «از»: حرف اضافه

زود می‌گفتند: «این، کار خداست پرس‌وجو از کار او کاری خطاست»  
 زود می‌گفتند: این کارها مربوط به خداست و پرس‌وجو درباره کار او، اشتباه است.

۱ کار و کار: تکرار / این بیت با بیت قبل موقوف‌المعانی است.

۵ خدا و خطا: قافیه/ ست و ست: ردیف / «این» و «پرس‌وجو»: نهاد

نیت من در نماز و در دعا ترس بود و وحشت از خشم خدا

قصد من از نماز خواندن و دعا کردن فقط ترس و وحشت از خشم خداوند بود.

۱ نیت، نماز و دعا: تناسب ۵ نیت: نهاد/ ترس و وحشت: مسند

پیش از این‌ها خاطرم دلگیر بود از خدا در ذهنم این تصویر بود

پیش از این‌ها ذهن و فکرم ناراحت بود و از خداوند در ذهنم چنین برداشت و تصویری داشتم.

۱ دلگیر بودن: کنایه از ناراحت بودن / خاطر و ذهن: تناسب

۵ خاطر و ذهن: دو ترکیب اضافی

تا که یک شب، دست در دست پدر راه افتادم به قصد یک سفر

تا اینکه شبی، دستم را در دست پدرم گذاشتم و با هدف یک مسافرت حرکت کردم.

۱ دست و دست: تکرار ۵ «تا که»: حرف ربط / راه افتادم: فعل مرکب و غیراسنادی

در میان راه، در یک روستا خانه‌ای دیدیم، خوب و آشنا

۱ روستا و خانه: تناسب / خانه: کنایه از مسجد ۵ بیت، یک جمله است. / خانه‌ای: مفعول

زود پرسیدم پدر اینجا کجاست؟ گفت: «اینجا خانه خوب خداست»

۱ اینجا و اینجا: تکرار / خانه خوب خدا: کنایه از مسجد

۵ بیت، پنج جمله دارد: زود پرسیدم، پدر، اینجا کجاست؟  
 جمله اول جمله دوم جمله سوم  
 گفت: اینجا خانه خوب خداست  
 جمله چهارم جمله پنجم

گفت: «اینجا می‌شود یک لحظه ماند گوشه‌ای خلوت، نمازی ساده خواند»

پدرم گفت: «اینجا می‌توان یک لحظه توقف کرد و در گوشه‌ای تنها، نمازی ساده (با حضور قلب) خواند».

۵ کلّ بیت، چهار جمله است. / غیر از «گفت» بقیه بیت «مفعول» فعل «گفت» است.

### نکته

فعل «گفت» نیاز به مفعول دارد و معمولاً جمله‌های بعد از آن، مفعول این فعل هستند.

با وضویی دست و رویی تازه کرد با دل خود گفت‌وگویی تازه کرد

با وضو گرفتن، دست و صورت را باطراوت کرد و با قلب خود حرف‌ها و گفته‌های جدیدی را با خدا مطرح کرد.

۱ دست، رو و دل: تناسب / گفت‌وگو با دل: تشخیص

گفتمش: «پس آن خدای خشمگین خانه‌اش اینجا در زمین؟»

به او (پدرم) گفتم: «پس خانه آن خدای خشمگین، اینجا روی زمین است؟!»

۱ اینجا و اینجا: تکرار ۵ «س» در «گفتمش»: متمم (به او گفتم) / «اش» در «خانه‌اش»: مضاف‌الیه

گفت: «آری خانه او بی‌ریاست فرش‌هایش از گلیم و بوریاست

پدرم گفت: «بله، خانه خدا از نفاق و دورویی دور است (خالص و پاک است)، فرش‌های خانه‌اش هم از گلیم و بوریاست (یعنی ساده

است). (گلیم: نوعی فرش که از پشم می‌بافند/ بوریا: حصیری که از نی می‌سازند).

۱) خانه، فرش، گلیم و بوریا: تناسب

۵) بیت، ۴ جمله دارد. / بی‌ریا: مسند / از گلیم و بوریا: مسند / «آری» یک جمله محسوب می‌شود. / بی‌ریا و بوریا: قافیه / ست و ست: ردیف

### مهربان و ساده و بی‌کینه است / مثل نوری در دل آینه است

خداوند، مهربان و ساده است و از دوستان خود کینه به دل نمی‌گیرد. او مانند نوری در وسط آینه روشن و درخشان است.

۱) مهربان و ساده و بی‌کینه: چون صفات خدا هستند، بنابراین آرایهٔ تناسب دارد / مثل نوری: تشبیه / دل آینه: تشخیص (چون آینه، دل ندارد).

۵) مهربان و ساده و بی‌کینه: مسند / مثل نوری: مسند

### عادت او نیست خشم و دشمنی / نام او نور و نشانش، روشنی»

عادت او (خداوند) خشمگین بودن و دشمنی کردن نیست. خداوند نور آسمان‌ها و زمین است و راه روشن و راست را به ما نشان می‌دهد.

۱) نور و روشنی: تناسب / مصراع دوم به آیهٔ ۳۵ سورهٔ نور «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» تلمیح دارد.

۵) بیت، سه جمله است: عادت او نیست خشم و دشمنی / نام او نور (است) و نشانش، روشنی (است) / عادت او، نور، روشنی: مسند

جملهٔ اول / جملهٔ دوم / جملهٔ سوم

### تازه فهمیدم: خدایم این خداست / این خدای مهربان و آشناست

۱) خدا و خدا: تکرار / این و این: تکرار / خدای مهربان و آشنا: دو ترکیب وصفی

۵) خدا و آشنا: قافیه / ست و ست: ردیف

### دوستی از من به من نزدیک‌تر / از رگ گردن به من نزدیک‌تر

(خدا) دوستی است که از خود من به من نزدیک‌تر است، حتی از رگ گردن هم به من نزدیک‌تر است.

۱) من و من: تکرار / به آیهٔ ۱۶ سورهٔ ق «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ما به او از رگ گردن نزدیک‌تریم) تلمیح دارد.

۵) نزدیک‌تر (در دو مصراع): مسند / هر سه کلمهٔ من: متمم / من اول و گردن: قافیه / به من نزدیک‌تر و به من نزدیک‌تر: ردیف

### می‌توانم بعد از این، با این خدا / دوست باشم دوست، پاک و بی‌ریا

پس از این می‌توانم با این خدا دوست باشم؛ دوستی پاک و خالص.

۱) این و این: تکرار / دوست و دوست: تکرار

## واژه‌شناسی

بی‌رحم / سنگ‌دل

نیت / قصد، عزم، آهنگ

خاطر / یاد، ذهن

دلگیر / کنایه از ناراحت، غمگین

ریا / نفاق، دورویی (بی‌ریا: خالص، پاک)

گلیم / نوعی فرش که از پشم می‌یافتند.

بوریا / حصیری که از نی می‌سازند.

کینه / دشمنی، انتقام‌جویی

خشت / آجر، آجر خام

الماس / سنگی گران‌بها که درخشندگی خاصی دارد و بسیار سخت و باارزش است.

بُرج / محلی برای دیده‌بانی در کاخ‌ها، پادگان‌ها و قلعه‌ها که ارتفاع زیادی دارد.

عاج / استخوان دندان فیل که سفید و گران‌بهاست.

بلور / نوعی شیشه که بسیار شفاف است.

طنین / صدا، بانگ، انعکاس صدا

توفنده / از مصدر توفیدن، پرخروش، خروشان، غوغاکننده



## به خدا چه بگویم؟

(قرن پنجم هجری)

## ابوالقاسم قشیری



از عارفان معروف قرن پنجم هجری است. کتاب «رساله قشیریّه» از اوست. اصل این کتاب به زبان عربی است و یکی از شاگردان قشیری آن را به فارسی برگردانده است. موضوع این کتاب، معرفی برخی از بزرگان عارف و شرح اصطلاحات و الفاظ رایج میان آنهاست.

## معنی و مفهوم

با دیدن انبوه گوسفندان به سراغ آن غلام (چوپان) رفت:

با دیدن گوسفندان زیاد به طرف آن غلام (چوپان) رفت.

گوسفندان از آن من نیست:

گوسفندان مال من نیستند (یا متعلق به من نیستند).

❶ از آن: مسند / من: مضاف‌الیه

خداوندش را بگوی که گرگ بُرد:

به صاحبش بگو که گرگ آن را بُرد.

❷ «را» به معنی «به»: حرف اضافه / خداوند: متمم / «س» مضاف‌الیه / گرگ: نهاد

غلام گفت: «به خدای چه بگویم؟»:

چوپان گفت: چه جوابی به خداوندِ خالق بدهم؟! (یعنی صاحب گوسفندان نیست؛ اما خداوند خالق که هست و ما را می‌بیند پس نمی‌توانم به خدا دروغ بگویم).

❸ درون‌مایه و محتوای حکایت تلمیح دارد به آیه ۵۲ سوره احزاب: «كَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيبًا» (خداوند ناظر و مراقب هر چیزی است).

## واژه‌شناسی



**چرا** چریدن  
**انبوه** فراوان، بسیار، زیاد  
**از آن** متعلق به، مال  
**خداوند** صاحب

**غلام** چوپان، نوکر، خدمتکار  
**ارباب** جمع ربّ و به معنی خدایان و دارندگان است؛  
اما امروزه معنای مفرد می‌دهد و در این  
حکایت به معنی صاحب و کارفرماست.  
**سرگرم بودن** کنایه از مشغول بودن

## واژه‌های هم خانواده

«به خدا چه بگویم؟»  
**ارباب:** ربّ، مرتبی، متربی، تربیت  
**چرا:** چریدن، چریدنی، چریده، چراگاه  
**مسافر:** سفر، مسافرت، سفیر، سُفرا، اسفار

«پیش از این‌ها»  
**رحم:** رحیم، رحمت، مرحوم، رحمان  
**قصد:** قاصد، مقصد، مقصد، مقاصد  
**دعا:** دعوی، دعوت، مدعو  
**خنده:** خندیدن، خندیدنی، خندان، لبخند  
**تصویر:** مصوّر، صور، صورت، تصاویر  
**حضور:** حاضر، محضر، محضور، احضار، حُضار

## واژه‌های متضاد

غرور  $\neq$  تواضع، فروتنی  
آگاه  $\neq$  غافل، بی‌خبر  
آسمان  $\neq$  زمین  
خطا  $\neq$  درست، صحیح  
انبوه  $\neq$  کم، اندک  
خنده  $\neq$  گریه، مویه  
حضور  $\neq$  غیاب  
دوستی  $\neq$  دشمنی، عداوت  
ترس و وحشت  $\neq$  شجاعت و دلیری  
توفنده  $\neq$  آرام  
بی‌رحم  $\neq$  دلسوز، مهربان  
زود  $\neq$  دیر  
ریا  $\neq$  خلوص

## واژه‌های مهمّ املایی

«پیش از این‌ها»  
قصر، پادشاهِ قصّه‌ها، الماس، پایه‌های برجش، عاج، بلور، غرور، رعد و برق، طنین، سیل، طوفان، نعرهٔ توفنده‌اش،  
حضورش، بی‌رحم، خشمگین، اما، معنایی، پرس‌وجو، خطاست، نیت، دعا، وحشت، دلگیر، ذهنم، تصویر، قصد،  
سفر، لحظه، گوشه‌ای خلوت، خواند، وضو، دست و رویی، گفت‌وگویی، بی‌ریاست، فرش‌هایش، گلیم، بوریا،  
بی‌کینه، آیین، عادت، نشانش

«به خدا چه بگویم؟»  
غلام، اربابش، صحرا، سرگرم، مسافر، انبوه، سراغ، چوپان، گوسفندان

## نکتهٔ املایی

در زبان فارسی، بعضی حروف مانند «ذ، ز، ض، ظ» یا «س، ص، ث» تلفظ یکسان دارند اما شکل نوشتاری آنها متفاوت است؛ با دقّت در معنا، به املای این گونه کلمات توجه کنید.



۱۱ در گروه واژگان زیر، چند غلط املایی وجود دارد؟

«پادشاه غصه‌ها، خشتی از طلا، آج و بلور، نعرهٔ توفنده، کاری خطا، ساده و بی‌کینه، گوسفندان، ارباب‌اش، غلام»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۲ کدام گزینه دربردارندهٔ معنی واژه‌های «خشت، خاطر، انبوه، خداوند» است؟

- (۱) آجر، در یاد مانده، فراوان، پروردگار  
(۲) آجر خام، ذهن، فراوان، صاحب  
(۳) آجر گلی، یاد، نوعی میوه، صاحب  
(۴) آجر خام، ذهن، فراوان، خالق

۱۳ کدام گزینه دربردارندهٔ آرایه‌های بیت «با وضویی دست و رویی تازه کرد/ با دل خود گفت و گویی تازه کرد» است؟

- (۱) تناسب، تشخیص (۲) کنایه، تشخیص (۳) تناسب، تکرار (۴) تلمیح، تناسب

۱۴ کدام گزینه، نقش دستوری واژگان مشخص شده در جملهٔ زیر را درست نشان می‌دهد؟

«خداوندش را بگوی که گرگ ببرد».

- (۱) مفعول، مضاف‌الیه، نشانهٔ مفعول، نهاد  
(۲) متمم، مضاف‌الیه، نشانهٔ مفعول، مفعول  
(۳) مفعول، مضاف‌الیه، حرف اضافه، مفعول  
(۴) متمم، مضاف‌الیه، حرف اضافه، نهاد

۱۵ در هیچ گزینه‌ای ترکیب وصفی یافت نمی‌شود، به جز ...

- (۱) در میان راه، در یک روستا / خانه‌ای دیدیم، خوب و آشنا (۲) مهربان و ساده و بی‌کینه است / مثل نوری در دل آینه است  
(۳) بود، اما در میان ما نبود / مهربان و ساده و زیبا نبود (۴) عادت او نیست خشم و دشمنی / نام او نور و نشانش روشنی

۱۶ کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها هم‌خوانی ندارد؟

- (۱) ترس و دلیری (۲) دشمنی و عداوت (۳) خلوص و ریا (۴) تواضع و غرور

۱۷ در گروه واژگان کدام گزینه، «هم‌خانواده» ناهماهنگ است؟

- (۱) حُضار، حاضر، محضور، احضار  
(۲) تصویر، مصوّر، تصاویر، صور  
(۳) ارباب، متربی، تربیت، ربّ  
(۴) استتار، مستور، سیّاره، مستتر

۱۸ مفهوم کدام گزینه با قسمت مشخص شده در بیت «دوستی از من به من نزدیک‌تر / از رگ گردن به من نزدیک‌تر» بی‌ارتباط است؟

- (۱) اگر چه از رگ گردن تویی نزدیک‌تر با من / تو را هر لحظه از جایی، من سردر هوا جویم  
(۲) هیچ نتوانم سر از فرمان او برتافتن / کز رگ گردن به خود، نزدیک‌تر می‌یابمش  
(۳) اگر چه از رگ گردن به بنده نزدیک است / خدای دور بود از بر خدادوران  
(۴) تسلیم شو و گرنه برای سبکسران / تابیده‌اند از رگ گردن طناب‌ها

۱۹ بن ماضی، بن مضارع و شناسهٔ فعل «ببرد» در کدام گزینه درست آمده است؟

- (۱) بُرد، بر، Ø (۲) بُرد، بر، َ د (۳) بُرد، ببر، َ د (۴) بر، بُرد، Ø

۲۰ مناسب‌ترین واژه‌ها برای جاهای خالی، کدام گزینه است؟

«سیداحمد هاتف اصفهانی از شاعران دورهٔ ..... و ..... است. او در سرودن غزل از ..... و ..... پیروی می‌کرد».

- (۱) زندیه و صفویه، سعدی و حافظ  
(۲) افشاریه و زندیه، سعدی و حافظ  
(۳) صفویه و قاجاریه، سعدی و حافظ  
(۴) افشاریه و زندیه، حافظ و مولوی

۲۱ همهٔ گزینه‌ها جزء آرایه‌های ادبی بیت «چشم دل باز کن که جان بینی / آنچه نادیدنی است، آن بینی» هستند، به جز ...

- (۱) تشبیه (۲) تشخیص (۳) کنایه (۴) تکرار